

تجربه مسیحی هامیلتون اسمیت

رساله به فیلیپیان نوشته ای در مورد تجربه مسیحی می باشد. در این رساله تجربه ایماندار از زندگی مسیحی با قدرت روح القدس، به طرز بسیار موثری ارائه شده است. گرچه، این رساله توسط پولس رسول نگاشته شده است، اما او از رسالت خود حرفی به میان نمی آورد، و در مقابل اهالی فیلیپی خود را، رسول مورد خطاب قرار نمی دهد، بلکه غلام عیسی مسیح می خواند. او از عطایا و قدرتهای که فقط به رسولان تعلق دارد صحبتی نمی کند، اما از تجاربی می گوید که ممکن است برای هر مسیحی پیش آیند. بنابراین، وقتی که این رساله را می خوانیم، همه ما می توانیم بگوییم، "این سرگذشتی است که ممکن است برای من نیز پیش آید اگر من هم زندگی مسیحی را با قدرت روح القدس به انجام رسانم."

تجربه هایی که برای ما در زندگی مهیا شده اند، بطور کلی از شرایط محیطی مستقل می باشند. اگر چه شماری ناراحت کننده و شماری نیز خوش حال کننده هستند. زمانیکه پولس رسول این رساله را می نوشت شرایطی غم انگیز و دلگیر کننده ای داشت. او خود، چهار سال متوالی را در زندان سپری کرده بود. و می دانست که در کانون مسیحیت آن روز، کسانی بودند که خدمت به مسیح را به عهده گرفته بودند، و مسیح را موعظه می کردند، و ممکن بود حس حسادت و رقابت به رنج و پریشانی آنان می افزود (فیلیپیان ۱: ۱۵-۱۶). از طرفی نیز، خارج از دایره مسیحیت مخالفتهایی مطرح شده بودند که حتی می توانستند به قیمت از دست رفتن جاننش ختم شوند (فیلیپیان: ۱: ۲۸). وضعیت حرفه او، چنین بود و در همین شرایط مسیحیت را چنین توصیف می نماید: "هر کس فقط به مسائل خود می اندیشد، به فکر خدمت به مسیح نیست" (فیلیپیان ۲: ۲۱). و عملکرد بسیاری از آنان چنین بود، که به جای شهادت دادن به مسیح و کار او، "به دشمنان صلیب مسیح" تبدیل شده بودند.

شرایط آن زمان بدین گونه بود که: پولس در زندان بسر می برد، درون هسته مسیحیت پر از کینه و دشمنی بود. نزاع و مشاجره در همه جا گسترده شده بود، هر کس در پی منافع خویش بوده و بسیاری نیز قدمهایی در دشمنی با صلیب برداشته بودند. بیرون از این کانون هم مخالفتها و افراد شروری قرار داشتند. با تمام این احوال، در اوج تمام این مشکلات پولس رسول را می بینیم که از تجربه های شیرین و متبارک مسیحی لذت می برد.

پولس شادی عمیق و همیشگی در خداوند و نسبت به ایمانداران مسیحی دارد. (فیلیپیان ۳: ۱-۳ و فیلیپیان ۴: ۴-۱۰).

اعتماد او به خداوند تزلزل ناپذیر است. او به مسیح افتخار می کند و بر نفس خود اعتماد ندارد (فیلیپیان ۱: ۶ و ۳: ۳ و ۴: ۱۳).

او در آرامشی به سر می برد که به دور از فهم آدمی است (فیلیپیان ۴: ۷).
محبت او در ایمانداران جاری شده و او نیز محبت آنان را در دل می پروراند (فیلیپیان ۱: ۸ و ۴: ۱ و ۱۷: ۱).

هیچ شکی در امید او به بازگشت عیسی مسیح وجود ندارد (فیلیپیان ۳: ۲۰).
ایمان او به خداوند در هر شرایطی که قرار گیرد سست نمی گردد (فیلیپیان ۴: ۱۲-۱۳).

سرّ این زندگی متبارک در دل شرایط بحرانی چه می تواند باشد؟ جواب در یک کلمه است، **مسیح**. تمام تجربه ای که در این رساله برای ما گفته می شود شامل نتایج زیستن فرد ایماندار در عیسی مسیح است. پولس رسول بطور واضح می بیند که مسیح در حضور خدای پدر، ایمانداران را شفاعت می نماید. و ایمانداران برای مدتی در این جهان نهاده شده اند، که مسیح را جلال دهند. او ملاحظه می نماید که در پیشگاه خداوند، مسیح عدالت ما است و در پایان سفر نیز پاداش ما محسوب می شود. پولس همیشه و در هر قدمی که بر می دارد، مسیح را پیش رو دارد. برای او فقط مسیح مطرح است، "چه در مرگ و چه در زندگی". او با داشتن مسیح در زندگیش از شادی و تجربه مبارک خویش سخن می گوید. و برای اینکه ما نیز از این تجربه لذت ببریم مسیح را پیش روی ما اینگونه عرضه می نماید:

مسیح زندگی ما، (فیلیپیان ۱: ۲۰-۲۱).

مسیح الگوی ما (فیلیپیان ۲: ۵).

جلال مسیح هدف ما (فیلیپیان ۳: ۱۳-۱۴).

مسیح امید ما (فیلیپیان ۳: ۲۰-۲۱).

مسیح قدرت ما (فیلیپیان ۴: ۱۳).

۱- مسیح زندگی ما (فیلیپیان ۱: ۲۰-۲۱).

پولس به راستی ایمان داشت، "مرا زیستن مسیح است". در زندگی او، مسیح همه چیز بود. اگر او زنده بود بوسیله مسیح و برای مسیح بود. اگر مرگ سرنوشت او بود، او برای مسیح می مرد. نیروهای شریر و مخالف در مقابل چنین فرد مسیحی هیچ قدرتی ندارند. هیچ روزنه ای برای حمله شیطان وجود ندارد،

و مرگ هراسی نخواهد آورد. کینه توزی و حسادت برادران ایماندار، او را تکان نمی داد، و اعمال آنانیکه دنبال منافع دنیوی بودند فقط می توانست اشکهای او را جاری سازد. خودخواهی و نفس او از بین رفته بود، اهانتها و تنها گذاشتن او هیچ تلخ کامی و کینه ای برایش باقی نمی گذاشت؛ هرگز در مورد پیشامدها و تلاش های منفی علیه او، شکایتی نمی کرد. هدف او دفاع کردن از خود و یا ارتقاء مقام نبود، و نمی خواست کسی را بی اعتبار و یا رسوا نماید اما، در هر وضعیتی، چه در مرگ و چه در زندگی، هدف او جلال مسیح بود.

۲- مسیح الگو و طرز فکر ما (فیلیپیان ۲: ۳-۵).

در فصل دوم این رساله، نگاه به مسیح، نگرشی به جلال و عظمت او نمی باشد بلکه نگاه به کسی است که به پای صلیب می رود؛ و مشاهده می کنیم که این طرز فکر فروتنانه او را قدم به قدم تا پای صلیب همراهی می نماید. با این وجود مسیح، با تمام فروتنی و فیض خویش در مسیری پر جلال تا صلیب قدم بر می دارد، تا برای ما به عنوان الگوی کاملی باشد تا در زندگی فیض و فروتنی را به ارمغان آوریم.

جسمی که ما در آن قرار داریم بزرگی و شکوه بیهوده ای دارد؛ هر گونه کوششی جهت بالا بردن خود موجب تحقیر دیگران می شود. پس در اینجا می خوانیم " که در بین شاگردان نزاع در گرفته بود، "چون هر کدام از آنان می خواست بزرگترین باشد (لوقا ۲۲: ۲۴). از آن به بعد، همیشه، ریشه جنگ و جدال میان مردان خدا به این دلیل بوده که همواره یکی خواسته بزرگترین باشد. اما، پولس رسول می گوید، "اجازه ندهید هیچ چیزی با جنگ و جدال در بین شما اتفاق بیافتد؛ بلکه با روحیه ای افتاده هر کس دیگری را ارج نهد. "شاید فکر کنیم این کار در مواقعی مشکل به نظر آید زیرا اغلب ما بطالت و پوچی و غرور دیگران را خیلی زود می بینیم، و یا تفاوت در عملکرد افراد را مشاهده می کنیم، اما اگر به مسیح نزدیک باشیم، در مقام مقایسه خیلی بهتر قدم بر می داریم، در حضور او به پوچی و حقیر بودن خود، خیلی زودتر از پوچی برادرمان پی می ببریم. و بدون مشاهده ایرادات و ضعف ها، خصوصیات مشابه مسیح را در دیگران می بینیم. بعد از آن دیگر تقدیر و ارج نهادن به دیگران برای ما مشکل نخواهد بود.

پولس رسول، از ما می خواهد که هم فکر باشیم (آیه ۲)؛ هم فکری به این معنی که افتاده و فروتن گردیم (آیه ۳)؛ افتاده دلی و فروتنی در مسیح به حد کمال نشان داده شده است (آیه ۵). فکر مسیح داشتن، ما را از خود خواهی جسم نجات خواهد داد، و ما را به جایی هدایت خواهد کرد که خود را از همه کمتر قدر نهیم.

هنگامیکه می خواهیم فیض مسیح را فروتنانه ارائه دهیم به طرز فکر او نیاز خواهیم داشت. شاید تصور کنیم که باید روشی حقیرانه را نشان دهیم، و از کلماتی استفاده نماییم که افتادگی ما را نمایان کنند؛ اما، اگر قرار باشد فیض مسیح در ما دیده شود باید افتادگی و فروتنی او در ما وجود داشته باشد. بنابراین پولس رسول چشمان ما را به سمت مسیح بر می گرداند. شاید ایماندارن خالص و وفادار بتوانند ما را بوسیله زندگی خود، خدمت خود، و استطاعت خود، کمک نمایند اما فقط مسیح می تواند الگوی کامل برای گام بر داشتن یک مسیحی باشد.

مسیح در تمام طول مسیر کامل خویش، همواره مخالف واقعی آنچه مربوط به جسم می شود، بود. او هیچ وقت در پی ارضای نفس خود نرفت. جسمی که ما در آن قرار داریم همیشه دنبال جاه و مقام برای خویش است، حتی اگر در امور دنیوی هم نباشد، در محیط مذهبی تمایل به خود نمایی دارد. مسیح خویشتن را به شکل یک غلام ساخت؛ اما جسم ما میل است که خدمت کرده شود. او خود را فروتن نمود، اما نفس ما میل دارد به بالا کشیده شود. او مطیع خواست دیگران بود، در حالیکه هر انسانی دنبال خواست قلبی خود است.

در مسیح ما محبت کامل را مشاهده می نماییم که خود را هیچ شمرده تا به دیگران خدمت کند. محبت واقعی می خواهد تا کاری برای کسی انجام دهد، اما نفس مایل است که برایش خدمت کرده شود. نفس انسان فکر می کند هر موقع کسانی در انتظار انجام اموری برای او هستند به مقام بالایی ترفیع یافته است در حالی که اگر در با روح مسیح قدم بر داریم، عظمت خواهی باطل وجود نخواهد داشت، و فیض همراه با فروتنی مسیح نشان داده خواهد شد.

۳- جلال مسیح هدف ما (فیلیپیان ۳: ۱۳-۱۴).

اگر فصل دوم این کتاب، مسیح را در فروتنی برای ما عرضه می دارد، و الگویی جهت حرکت ما نشان می دهد، فصل سوم مسیح را در جلال نمایان می کند و او را چون هدفی نشان می دهد که ما باید به سمت او رهسپار باشیم. خداوند مسیح را در جلال پیش روی ما بعنوان امید کامل برای جانهای ما قرار داده است، و به ما می گوید که خوانده شده ایم تا در آسمان با او و شبیه او باشیم. با این چشم انداز روشن که برای ما مهیا شده است، قادر خواهیم بود امور گذشته پشت سر خودمان را فراموش نموده، و از درد و رنجهای کنونی ارتقا یافته، و به تعلقاتی که جلو روی ما نهاده شده دسترسی پیدا نماییم.

در نور تابناک جلال جاویدان که در پیش روی ما قرار داده شده، چیزهای زمان حاضر ارزش خود را از دست داده اند، و رنجها و غمها تنها برای چند لحظه دیده می شوند. در مقایسه با شکوه و عظمتی که برای ایمانداران تدارک دیده شده، پولس رسول امور جسمانی را بی ارزش، و حتی فضله خوانده است. او بی اعتبار بودن آنها را درک کرده، و نه تنها آنها را پشت سر نهاده، بلکه فراموش نیز کرده است. او چنین می گوید، "آنچه در عقب است فراموش کرده و به سوی آنچه در پیش است، خویشتن را کشیده." (آیه ۱۳).

مسیح پولس رسول را به این منظور در دستان خود قرار داده بود که او را هم در این جهان و هم در جلال شریک خود گرداند. پولس می گوید، "یک چیز مورد نظر من است و آن بودن با مسیح در جلال است—جایزه ای که انتظار مرا در پایان سفرم می کشد."

چه امر مبارکی است که همه ایمانداران چه پیر و چه جوان باید آنرا بدانند. که اگر ما هنوز در جلال مسیح شریک نشده ایم، مسیح با ما شراکت یافته است، و او که کار نیکو را در ما آغاز نموده است تا آخر نیز آنرا ادامه خواهد داد. مهم نیست که راه ناهموار باشد، سختیها، غمها و رنجها تا چه اندازه عمیق باشند، دشمن تا چه حدی قدرت داشته باشد، مسیح ما را ترک نخواهد کرد. او قادر است "تمام امور را مطیع خود گرداند،" بنابر این او در پایان ما را مانند خود و همراه خود در جلال خواهد داشت.

و چنین است که ما فرزند تو شدیم ای پدر،
آیا این همان فیضی است که بخاطر کار او، ما را فرو گرفت
ای پدر پر جلال، فکر تو بالاتر از هر فکری، در شکوه و عظمت خود قرار دارد
همه چیز را به شباهت متبارک خود بساز.

۴- مسیح امید ما (فیلیپیان ۳: ۲۰-۲۱).

پولس رسول به آسمان می نگرد و مسیح را در جلال می بیند، و می داند که ایمانداران نیز به شباهت فرزند خدا در شکوه و عظمت در خواهند آمد. شاید ممکن باشد مثل مسیح قدم بر داشت، حتی تا حدی نیز مانند او رفتار نماییم. اما برای به شباهت در آمدن کامل باید تا آمدن جلال صبر نماییم. ما هنوز در این بدنهای فانی، قابل ابتلا به امراض، و نیازمند، و آسیب پذیر از هر خطر، و مرگ به سر می بریم.

حال چگونه می توانیم از این بدنهای آسیب پذیر نجات پیدا کنیم؟ به مسیح در آسمان می نگریم و می دانیم که مانند او خواهیم شد: روش زندگی ما، احساسات و دلبستگیهای ما، همه مربوط به آسمان

است. و ما برای تبدیل این بدن‌ها هم به آسمان چشم دوخته ایم. و از آنجا که پولس رسول می نویسد، "ما به انتظار خداوند عیسی مسیح می مانیم، که به عنوان نجات دهنده، بدن‌های حقیر ما را مانند بدن جلال یافته خود تبدیل نماید."

یکبار او بعنوان نجات دهنده آمد که ما را از گناهانمان برهاند، این کار را او با مرگ خویش بر روی صلیب به انجام رسانید. بار دوم او می آید که ما را از این بدن‌های حقیر و آسیب پذیر آزاد نماید.

تنها یک چیز لازم است که این تغییر عظیم را بوجود آورد و آن نیز آمدن مسیح است. مسیح امید ما است، و آمدن او که ما با امیدواری منتظر آن هستیم در جلال به وقوع خواهد پیوست. در یک چشم به هم زدن ما به شباهت مسیح در خواهیم آمد.

۵- مسیح قدرت ما (فیلیپیان ۴: ۱۲-۱۳).

زمانی که به گذشته نگاه می کنیم و فیض مسیح را در زندگی فروتنانه او مشاهده می نمایم باعث برکت می شود. اما باشکوه است که به بالا نگریسته و مسیح را در جلال ببینیم. اما باید همچون هدفی شکوهمند او را در مقابل جانهای خود ملاحظه نماییم. بسیار خجسته خواهد بود که نگاهی رو به جلو داشته باشیم، تا مسیح را ببینیم که آمده است تا ما را به شباهت خود در آورد. ولی با توجه به زندگی پیرامون خویش گاهی شرایطی پیش می آید که بر مشکلات پیروز می شویم و یا بر عکس واقعه ای رخ می دهد که ناموفق و ناراضی می شویم. چطور می توانیم با وجود همه این رویدادهای ناراحت کننده و شادی آور به راه خود ادامه دهیم؟

در جواب به این سؤال، پولس رسول از تجربه خود به ما سخن می گوید. او خوب می دانست که زندگی فردی که در فقر بسر می برد چگونه است و یا کسی که کامیابی و موفقیت را تجربه می کند چه احساسی دارد. او هم سیر بود و هم گرسنه؛ از فراوانی لذت برده بود و از تنگدستی زجر کشیده بود. ولی در تمام آن شرایط پشتیبانی و امداد را از مسیح دریافت کرده بود. برای همین نوشت، "قدرت هر چیزی را دارم در مسیح که مرا تقویت می بخشد."

آن زمان که ضعیف و بیمار بود خداوند به او گفت، "فیض من ترا کافی است، قوت من در ضعف کامل می گردد." (دوم قرنتیان ۱۲: ۹) بنابراین پولس یاد گرفته بود در هر شرایطی خوشحال و مسرور باشد.

مسیح قدرت او بود. اما او این حقیقت محض را به شکلی اتفاقی پذیرفته بود، بلکه این حقیقت را از طریق تجربه کسب کرده بود. و بوسیله نیروی عظیم مسیح او بالاتر و والاتر از هر رویدادی، چه خوب و یا بد قرار گرفته بود.

شاید بتوانیم بگوییم که مسیح این کار را برای همه ایمانداران انجام می دهد، و این حقیقتی عمومی است. اما پولس می گوید: او این کار را برای من کرده است، و من تجربه کرده ام که "قدرت هر چیز را دارم در مسیح که مرا تقویت می بخشد."

بدین ترتیب، با بودن مسیح در وجودش و به عنوان الگو، هدف، امید و قدرت همه زندگیش، زندگی یک مسیحی با قدرت روح القدس را تجربه نمود. و جالب آنکه، بر همه این رویدادهای غم انگیز و تلخ بی شماری که حادث شد، غالب آمد.

می توان دید که مسیح همیشه حاضر است و در کنار ما باقی می ماند، و او همان است و تغییر نمی یابد (عبرانیان ۱: ۱۱-۱۲). در این روزهای آخر و در میان این تاریکی، برای اینکه ساده ترین ایماندار نیز بتواند از زندگی لذت ببرد؛ باید زندگی مسیحی را تجربه نماید. و آن یعنی شادی و لذت در مسیح خداوند، اعتماد به او، آرامش و سلامتی در اوج سختیها، محبت نسبت به همه مقدسین و ایمانداران، امید و انتظار برای آمدن مسیح، و ایمانی که ما را قادر می سازد در شرایط سخت به مسیح تکیه کرده تا ما را بالاتر از تمام سختیها و دشواری ها یاری دهد.